

سرمایه اجتماعی زنان ساکن در بافت حاشیه ای شهر مشهد و الزامات

سیاست‌گذاری برای ارتقاء آن

سیمین فروغ زاده

foroughzadeh.simin@gmail.com

عضو هیات علمی سازمان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی

چکیده

مقاله سیاست پژوهی حاضر با اتکا به نتایج بدست آمده از پیمایش «تحلیل سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت گاه های غیررسمی، مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد» تدوین شده است. پژوهش مذکور حکایت از آن دارد که مهمترین نشانگرهای سرمایه اجتماعی یعنی وضعیت اعتماد بین فردی و مشارکت غیررسمی زنان چندان مطلوب نیست و به تبع آن وضعیت شبکه روابط اجتماعی نیز به عنوان بن مایه اولیه سرمایه اجتماعی در این اجتماع بسیار نامساعد است. مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که چگونه می توان اعتماد بین فردی زنان را تقویت کرد و بستر مناسبی برای شکل‌گیری مشارکت غیررسمی آنها در سکونت‌گاه های غیررسمی ایجاد کرد؟

به این منظور، علاوه بر اتکا به نتایج بدست آمده از تحقیق مذکور و مرور پیشینه های تجربی، با محققان اجتماعی و مدیران دستگاه های اجرایی مرتبط با موضوع، مصاحبه های عمیق صورت گرفت. سپس با در نظر داشتن اقدامات اجرایی سازمان ها و دستگاه های دولتی و غیر دولتی و نقد کلی از رویه ها و اقدامات موجود، ملاحظات سیاست‌گذاری در قالب پیشنهاد برای افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی زنان ساکن در این منطقه ارائه شد. این ملاحظات با اتکا به رویکرد هم افزایی سرمایه اجتماعی است که طبق آن نه تنها بر ظرفیت های سازمان‌های دولتی و گروه‌های مدنی تاکید می شود، بلکه به ذی نفعان اصلی (زنان ساکن در سکونت گاه غیررسمی) هم توجه دارد.

کلید واژه: زنان، سکونت گاه غیررسمی، الزامات سیاست گذاری، سرمایه اجتماعی

بیان مساله

سرمایه اجتماعی زاده کنش و واکنش‌های افراد است و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر که بر چشم‌داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان می‌بالد و گسترده می‌شود (پیران و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۰). بنابراین، رابطه اساس و پایه سرمایه اجتماعی است و زایش آن در اجتماع و در حوزه تعاملات اجتماعی اتفاق می‌افتد. در عصر حاضر سرمایه اجتماعی به منزله نوعی دارایی است و در مقایسه با سایر سرمایه‌ها (اقتصادی، فیزیکی و انسانی)، به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می‌شود (صالحی و مهرعلیزاده، ۱۳۸۴: ۲۶) برخی از مطالعات انجام شده در کانادا و آمریکا هم موید این موضوع است که سرمایه اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه محله ای شهری است. چراکه روابط و همبستگی درون شبکه ای (محله) را بهبود بخشیده و دسترسی به منابع بیرونی را بهبود می‌بخشد (ناومن و دل، ۲۰۱۰: ۵؛ بولن و اونی، ۱۹۹۹: ۹۷). یکی از دلایل بروز مشکلات و بحران‌های شهری، کمبود یا فرسایش سرمایه اجتماعی در محلات است. چراکه سرمایه اجتماعی از طریق اجزای خود همچون اعتماد، مشارکت، شبکه‌های اجتماعی و... می‌تواند باعث کاهش مسائل و مشکلات در محلات شهری گردد و به این دلیل تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند دولت را در جهت عمل به برنامه‌ها یاری کند (نقدی و زارع، ۱۳۹۱: ۱). در صورتی که هدف برنامه ریزان و سیاستگذاران تولید و بازتولید و یا احیاء و افزایش سرمایه اجتماعی باشد، اولین گام شناخت واقعیت‌های جامعه و به طور خاص کمیت و کیفیت و توزیع فعلی سرمایه اجتماعی و آگاهی اولیه از میزان برخورداری جامعه مورد مطالعه از آن است. در تحلیل علمی انجام شده در خصوص کم و کیف سرمایه اجتماعی زنان خانه‌دار ساکن در یکی از محلات سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد، محله شهید قربانی (فروغ زاده، ۱۳۹۸)، تصویر تجربی نسبتاً روشنی از دو بعد شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی زنان در این اجتماع محروم ترسیم شد. تحقیق مذکور جدیدترین تحقیق موردی انجام شده در محله شهید قربانی مشهد بود. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد

وضعیت سه مولفه اصلی سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، مشارکت و انواع پیوندها و روابط اجتماعی بین گروهی در میان زنان این منطقه نامساعد و نگران کننده است. نتایج بیانگر این موضوع بود که اعتماد زنان عمدتاً درون گروهی بوده و صرفاً به حلقه اقوام خود و همسر محدود است. این زنان با هر میزان سن و تحصیلاتی، بسیار کم وارد مشارکت غیر رسمی و ایجاد روابط صمیمانه و همدلی با خانواده و دوستان و همسایه ها می شوند و به همین دلایل منابع و فرصت های کمی در اختیار دارند و شبکه ارتباطات اجتماعی شان ضعیف است. محقق با اتکا به نتایج این تحقیق، برای بهبود وضعیت زنان ساکن در محله شهید قربانی پیشنهادی های اجرایی و سیاستی به دفتر تسهیلگری واقع در این منطقه ارائه داد که این پیشنهادات قالب مقاله سیاستی حاضر تدوین شد.

در ادبیات نسبتاً غنی مربوط به سرمایه اجتماعی، دو عنصر اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی اعتماد و رابطه اجتماعی است (چلبی، ۱۳۹۳: ۶۶) اما طبق یافته های تحقیق مذکور، مهمترین نشانه های سرمایه اجتماعی یعنی وضعیت اعتماد بین فردی و مشارکت غیررسمی چندان مطلوب نیست و به تبع آن وضعیت شبکه روابط اجتماعی نیز به عنوان بن مایه اولیه سرمایه اجتماعی در این اجتماع بسیار نامساعد است. این بنیادی ترین جزء سرمایه اجتماعی یعنی روابط اجتماعی زنان با یکدیگر تنها در صورتی ارتقاء می یابد که در وهله اول پایه های اعتماد بین فردی و پس از آن زمینه های شکل گیری مشارکت غیررسمی تقویت شود. لذا این سؤال مطرح است که چگونه می توان اعتماد بین فردی زنان را تقویت کرد و بستر مناسبی برای شکل گیری مشارکت غیررسمی آنها در سکونت گاه های غیررسمی ایجاد کرد؟ بنابراین هدف اصلی این نوشتار آن است که با اتکا بر نتایج تحقیق مذکور و مرور پیشینه های تجربی، همچنین در نظر داشتن کوشش ها و اقدامات اجرایی سازمان ها و دستگاه های دولتی و غیر دولتی، ملاحظات را برای توصیه های عملی و سیاستگذاری در زمینه افزایش سرمایه اجتماعی زنان ارائه دهد.

ادبیات موضوع

پیشینه تجربی

یکی از مراحل انجام سیاست پژوهی، دنبال کردن تحقیقات پیشین و کوشش هایی است که برای اعمال تغییرات صورت گرفته است (ماژرزاک، ۱۳۹۲: ۴۴). در یک بررسی، تمام مقالات فهرست شده در سه پایگاه داده ی علمی - پژوهشی (پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی {SID}، بانک اطلاعات نشریات کشور {magiran}، پورتال جامع علوم انسانی) با موضوع اسکان غیررسمی از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۴ شناسایی شد و ۱۸۸ پژوهش معتبر مورد مطالعه قرار گرفت. به لحاظ تعداد موضوع و یا محور اصلی این تحقیقات چنین بوده است: آسیب های اجتماعی (۱۶ درصد)، توصیف اسکان غیررسمی (۳۸ درصد)، فرهنگ و کیفیت زندگی (۹ درصد)، علل شکل گیری و آینده سکونت گاه های غیررسمی (۱۳ درصد)، مسائل بهداشتی و درمانی ساکنان (۴ درصد)، مشارکت و توانمندسازی ساکنان (۱۱ درصد) و بالاخره مدیریت

شهری و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی (۹ درصد) که این مورد اخیر عمدتاً به نقد برنامه‌ها و سیاست دولت در ارتباط با اسکان غیررسمی در ایران و سیاست‌های ساماندهی اسکان غیررسمی پرداخته‌اند (اورعی، ۱۳۹۵).

علاوه بر آن، موضوع سیاست‌گذاری در سرمایه اجتماعی (با تأکید بر زنان در سکونت‌گاه‌ها غیررسمی) بررسی شد. این جستجو نشان داد مطالعات انجام شده در این زمینه دو دسته‌اند. معدودی از تحقیقات منتشر شده، صرفاً مطالعه‌ای تجربی بوده که بر موضوع سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی متمرکز شده و محقق با استناد به یافته‌های بدست آمده، توصیه‌ها و یا پیشنهادهایی ارائه داده است. بخش دیگرهم مطالعات نظری است که در آن سرمایه اجتماعی به طور عام و مبحث سیاست‌گذاری مورد تحلیل قرار گرفته است.

سجادی و سوری (۱۳۹۱) در پژوهش «تحلیل مشارکت‌پذیری زنان: ضرورتی در بهسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی» (مطالعه موردی: محله آبک، منطقه یک شهر تهران) نشان می‌دهد که هرچه حس تعلق به مکان در میان زنان بالاتر باشد، میزان مشارکت‌پذیری آنان نیز بالاتر است. محقق بر عدم توجه کافی مدیریت شهری به اهمیت مشارکت‌پذیری زنان در امر بهسازی این گونه سکونت‌گاه‌ها تأکید می‌کند و کمبود کاربری‌ها و فضاهایی چون فرهنگی، آموزشی و تفریحی در محدوده‌ی مورد نظر را که می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت زنان این محله باشد، در تأیید یافته‌های بدست آمده اشاره می‌کند و در پایان پیشنهاد می‌دهد که برنامه‌ریزی برای ایجاد کاربری‌های فرهنگی و اجتماعی مختص زنان، ایجاد مراکزی برای آموزش زنان مانند نهضت سوادآموزی، آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، ایجاد فرصت‌های اشتغال و سازماندهی صندوق‌های مالی زنان در این محله‌ها است که می‌تواند اقداماتی مؤثر در راستای ارتقای حس تعلق به مکان، ارتقای سطح اقتصادی اجتماعی زنان و در نهایت، مشارکت‌پذیری آنان به شمار آید.

خاکپور (۱۳۹۴) با بررسی «سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازار کار شهری». مطالعه موردی: جامعه زنان محلات اسکان غیررسمی تبریز» به امکان‌سنجی سرمایه اجتماعی در توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی برای ورود به بازار کار شهری می‌پردازد و نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی زنان و توانمندسازی آنها برای ورود به بازار کار منقطع و کارآفرینی مبتنی بر تعاونی مکان - مینا رابطه معنی‌داری وجود دارد. در صورتی که امکان کار در خارج از خانه برای زنان فراهم شده است، قراردادهای مبتنی بر کارگاه از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. علت عمده آن استفاده از مزیت‌های کنش جمعی مسبوق به سرمایه اجتماعی، اعمال بیمه کار و همچنین هم‌سوگی با انگاره‌های فرهنگی مردسالارانه حاکم بر محله‌های اسکان غیررسمی است.

در بررسی میزان سرمایه اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان شهر ایلام اعم از زن و مرد (تاج‌بخش، ۱۳۹۲) هم این نتیجه بدست می‌آید که بیشترین میانگین سرمایه اجتماعی مربوط به شاخص مشارکت اجتماعی و کمترین مقدار آن مربوط به شاخص روابط اجتماعی است. در این تحقیق

مشخص شد هرچه مشارکت اجتماعی در بین ساکنان بیشتر شود، سرمایه اجتماعی هم ارتقاء خواهد یافت. بنابراین لازم است که رویکردهای مشارکت محور و افزایش مشارکت اجتماعی در بین ساکنان به عنوان روشی برای ارتقاء سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شوند. بخش دیگر از مطالعات پیشین مربوط به سیاست‌گذاری و سرمایه اجتماعی است. از جمله آنها، "رشد جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی: اثر پذیری از حوزه سیاست گذاری اجتماعی" (شارع پور، ۱۳۸۷) است که ابتدا برخی از مدل‌های سنجش سرمایه اجتماعی را معرفی می‌شود. سپس مدل جدیدی که با هدف بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی برای سیاست اجتماعی طراحی گردیده را مورد بحث قرار می‌دهد همچنین ابزارهای جدیدی که با سنجش شبکه‌های اجتماعی امکان بررسی تجربی سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد، معرفی شده است. تاثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری (رهبر و حیدری، ۱۳۹۰) مطالعه دیگری است که به دنبال تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و مقایسه آن با سایر سرمایه‌ها، اهمیت ابعاد و اجزاء سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های دیگر است. سپس به رابطه سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست‌های ارتقاء دهنده سرمایه اجتماعی می‌توانند تاثیر مستقیمی در بهبود اجتماع داشته باشند.

معصومی‌راد (۱۳۹۰) به "تبیین اهمیت سرمایه اجتماعی در سیاست گذاری و برنامه ریزی توسعه پایدار در ایران" پرداخته و با مروری بر ارزیابی‌های صورت گرفته در خصوص سیاست و برنامه‌های توسعه بلندمدت و میان مدت در ایران، به این نتیجه می‌رسد که یکی از مهمترین دلایل ناکامی آنها، فقدان اجماع و وفاق اجتماعی بر سر اهداف و به تبع آن ضعف سرمایه اجتماعی و ناتوانی در جلب مشارکت عمومی برای تحقق اهداف این برنامه‌ها و سیاست‌هاست. در این مقاله نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و برنامه ریزی‌های کلان توسعه، تبیین شده است. همچنین در "ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی" (پاک سرشت، ۱۳۹۳)، محقق پس از بررسی رویکردهای نظری مهم در ارتباط با تعریف و تبیین سرمایه اجتماعی، وضع تحلیلی هم‌افزایی را به عنوان چارچوبی برای استخراج ملاحظات و توصیه‌های راهبردی مورد استفاده قرار می‌دهد و تاکید دارد که راهبردهای متأثر از این دیدگاه به دلیل تاکید همزمان بر ویژگیهای نهادی و عملکردی دولت و همچنین ویژگی شبکه‌های اجتماعی از حیث درون و یا برون گروهی بودن و در نهایت الگوی ارتباط و تعامل این دو بر توصیه‌های سایر دیدگاه‌ها در خصوص ارتقای سرمایه اجتماعی ارجحیت دارند.

در بررسی "سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز) (تاجبخش و کوهستانی نژاد، ۱۳۸۲) محقق به تحلیل چهار پژوهش تجربی انجام شده در این زمینه می‌پردازد. اهمیت این طرح در روشن کردن ابعاد اجتماعی در شکل‌گیری برنامه‌های تأمینی و رفاهی کشور است و از این طریق جایگاه، ساختار و اشکال اجتماعی و فرهنگی در توسعه جامعه ایران تبیین شده است. در بخشی از

نتایج آمده است که در حوزه حمایتی، دخالت روزافزون دولت در سیاست‌های تامین اجتماعی در ایران به کاهش ابتکارات اجتماعی مستقل جامعه مدنی منجر شده است.

به گفته اشتول و هوگ (۲۰۰۳) و کریشنا (۲۰۰۷)، به طور کلی در سطح جهانی با وجود فواید اجتماعی عدیده بر میزان بالای سرمایه اجتماعی، پژوهش در موضوع ارتقای سرمایه اجتماعی و راهبرد های سرمایه گذاری در آن نابالغ و توسعه نیافته است. این موضوع در مطالعات انجام شده در داخل کشور هم خود را نشان می دهد. بررسی کم و کیف مطالعات و تولیدات پژوهشی انجام شده در زمینه سیاست گذاری در امر سرمایه اجتماعی در داخل کشور حکایت از آن دارد که در جامعه علمی ایران این زمینه مهم مطالعاتی به صورت جدی مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار نگرفته و حتی نهادها و سازمان های متولی نیز اقدام جدی و کاربردی در این خصوص انجام نداده‌اند.

در جستجوی پیشینه پژوهش مشخص شد تاکنون مطالعه تجربی منتشر شده ای که به طور خاص به بحث سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری در حوزه جامعه شناسی مربوط باشد، یافت نشد. پژوهش های پراکنده دانشگاهی و سازمانی ممکن است در مواردی داده های مفیدی تولید کنند، اما سیاست گذاری در این باب جز با اتکا به داده های ملی و منظم مقدور نیست. همانگونه که از نظر گذشت پژوهش های تجربی در زمینه سرمایه اجتماعی زنان در سکونت گاه های غیررسمی، مطابق سنت حاکم در انجام پژوهش در ایران، صرفاً به ارائه راهکارها و پیشنهادهای برآمده از نتایج تحقیق می انجامد که ممکن است از منظر یک سیاست گذار، هنوز خام باشد. بخش دیگر مطالعات انجام شده در زمینه سیاست‌گذاری و سرمایه اجتماعی نیز بعد نظری داشته و به توصیف، تحلیل و تبیین نظری موضوع پرداخته اند. به هر حال اهمیت این حوزه مطالعاتی و ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در زمینه پژوهش و اقدامات عملی و اجرایی، توجه بیشتر و جدی‌تری پژوهشگران، سیاست‌گذاران اجتماعی و برنامه ریزان را می طلبد.

پیشینه نظری

بی راه نیست اگر گفته شود به اندازه تحقیقات تجربی و نظری از مفهوم سرمایه اجتماعی، تعریف وجود دارد. بیشتر محققان اعتماد و مشارکت را به عنوان مهمترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند. نظیر نارایان ۱۹۹۸، کریشنا ۱۳۸۴، گروتارت ۲۰۰۴، پالدام ۲۰۰۰، استون و هیوز

۲۰۰۲، لی و همکاران ۲۰۰۳، اسوندسن‌ها ۲۰۰۴، اوریسچوت و دیگران ۲۰۰۶، فاتحی ۱۳۸۳، مبارکی ۱۳۸۳، ناطق پور و فیروزآبادی ۱۳۸۴، اسماعیلی ۱۳۸۵، و پیران و دیگران ۱۳۸۶.

یکی از نظریه پردازانی که تأثیر بسیار عمیقی بر پردازش و تعمیم مفهوم سرمایه اجتماعی در علوم اجتماعی داشته، رابرت پاتنام است. طبق تعریف وی، اجزا و عناصر اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از: شبکه‌ها، مشارکت، ارزش‌های مشترک و اعتماد (فیلد، ۱۳۸۶: ۶۷). منظور از شبکه‌ها، شبکه روابط و تعاملات موجود در سطح فردی میان افراد، در سطح گروهی میان گروه‌ها، در سطح اجتماعی بین گروه‌ها و در سطح ملی میان گروه‌ها با یکدیگر، نهادهای رسمی و غیررسمی با یکدیگر و میان تمامی گروه‌ها و نهادهای غیر رسمی با دولت است. از نظر پاتنام، شبکه‌ها در کنار سایر عناصر سرمایه اجتماعی می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآمدی جامعه را افزایش دهند (تونکیس، ۱۳۸۷: ۹۸). شکل‌گیری شبکه‌ها و اثرگذاری آنها بر زندگی افراد و گروه‌ها تنها از طریق مشارکت اجتماعی تحقق می‌یابد. این مشارکت اجتماعی در دیدگاه پاتنام به صورت تعهد مدنی و از طریق کنش جمعی، نقش خود را در ثبات سیاسی و رونق اقتصادی بازی می‌کند (پاتنام به نقل از تاج بخش، ۱۳۸۴: ۹۸). تحقق مشارکت مدنی در درون شبکه‌ها مستلزم وجود ارزش‌های مشترک و پای‌بندی و اعتقاد افراد و اعضای گروه‌ها به این ارزش‌های مشترک است. از نظر پاتنام، این شبکه‌های مشارکت مدنی، «تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌تواند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کند» (تونکیس، ۱۳۸۷: ۹۹).

اعتماد نیز یکی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی است که بدون آن، رابطه‌ها منجر به نتیجه مطلوب نخواهد شد. پاتنام، پیوندهای اجتماعی متراکم را از بنیادهای ضروری اعتماد در جوامع پیچیده می‌داند. اعتماد از جمله ذخایر سرمایه اجتماعی است که در کنار هنجارها و شبکه‌ها، ضامن حسن اجرای خود است و از خصلت انباشته شدن برخوردار است (پاتنام به نقل از تاج بخش، ۱۳۸۴: ۹۹). اعتماد، عنصری است که در تمامی تعاریف از سرمایه اجتماعی حضور دارد (تونیکس، ۱۳۸۷: ۹۸) فوکویاما، اعتماد را انتظاری می‌داند که در یک اجتماع از رفتار منظم، صادقانه و همکاری جویانه مبتنی بر هنجارهای مشترک برمی‌خیزد (پاتنام به نقل از تاج بخش، ۱۳۸۴: ۱۰۳). بنابراین، اعتماد تنها جزئی از عناصر سرمایه اجتماعی نیست، بلکه پیش‌شرطی برای شکل‌گیری آن نیز هست. کارآمدی و تداوم رابطه‌ها و شبکه‌ها بستگی به وجود عنصر اعتماد در میان اعضای آنها دارد. تنها در صورت وجود اعتماد است که یک رابطه و تعامل تبدیل به یک برگه اعتباری قابل خرج کردن در آینده می‌شود. در واقع، از نظر فوکویاما، «اعتماد»، امری حیاتی برای کارآیی سازمان (و در معنایی وسیع‌تر کارایی اقتصادی) است (فوکویاما، ۱۹۹۶). به نقل از تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۱۳). به این ترتیب، اعتماد، عنصری است که در تمامی سطوح سرمایه اجتماعی (چه سرمایه اجتماعی بین فردی، بین گروهی و بین سازمانی) حضور دارد و شرط کارآمدی رابطه‌هاست. به نظر پاتنام اعتماد بین شخصی یعنی افراد یک اجتماع، یکدیگر را مفید، صادق و با انصاف

بداند و منظور از اعتماد نهادی، مقبولیت، کارایی و محبوبیت دولت و نهادها و سازمان‌های دولتی در بین مردم جامعه است (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۸۵). در نظریه‌های اقتصادی جدید نیز بر نقش تعیین‌کننده شبکه‌ها و هنجارها در عملکرد اقتصادی جوامع تأکید می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۶، به نقل از تونکس، ۱۳۸۷: ۱۱۳). سرمایه اجتماعی یعنی شبکه‌های انجمنی، ارزش‌های جمعی و هنجارهای فرهنگی را عنصر کلیدی تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی در سطح کلان می‌داند (تونکس، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

هرچه ارتباطات اجتماعی (سطوح خرد و کلان) جامعه به خصوص ارتباطات بین گروهی بیشتر و منسجم‌تر باشد و در نتیجه آن، اعتماد میان گروه‌های اجتماعی با هم و با حکومت (و دولت) بیشتر بر پایه ارزش‌ها و هنجارهای مشترک شکل بگیرد، با پیشرفت جامعه و حرکت به سمت عدالت و رونق اقتصادی بیشتری مواجه هستیم. این نتیجه‌ای است که هم پاتنام و هم فوکویاما در مباحث خود درباره سرمایه اجتماعی مطرح کرده‌اند (تونکس، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴). در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثر و نقش سازنده خود را در پیشبرد اهداف جوامع بشری از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شود (پاتنام: ۲۰۰۰). در خصوص ارتباط دو مفهوم یعنی اعتماد و مشارکت، اینگلهارت معتقد است اعتماد به یکدیگر از عوامل موثر در مشارکت است. زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است (علی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

رویکردهای نظری متفاوتی در خصوص سرمایه اجتماعی وجود دارد. در این زمینه وولکاک و نارایان (۱۳۸۹) چهار رویکرد سرمایه اجتماعی را چنین فهرست می‌کنند: رویکرد اجتماع‌گرایی^۱، رویکرد شبکه‌ای^۲، رویکرد نهادی^۳ و رویکرد هم‌افزایی^۴.

● **رویکرد اجتماع‌گرایی**: طبق این رویکرد سرمایه اجتماعی، معادل سازمان‌های محلی مانند کلوپها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی است. طرفداران این رویکرد به سرمایه اجتماعی، آن را یک امکان ساختاری برای تسهیل عمل جمعی قلمداد می‌کنند. بنابراین از این منظر سرمایه اجتماعی بیشتر یک خیر عمومی و دارایی جمعی محسوب می‌شود که همگان در فواید آن شریک هستند به علاوه وجه متمایز این دیدگاه در تأکید بر نقش فرهنگ و نظام ارزشی در تولید سرمایه اجتماعی است (پاک سرشت، ۱۳۹۳: ۷۶).

● **رویکرد شبکه‌ای**: تعریف شبکه‌ای سرمایه اجتماعی بر منابع و ابزار موجود در داخل شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند (باستانی و دیگران: ۵۶). دیدگاه شبکه‌ای منبع سرمایه اجتماعی را در جامعه مدنی جستجو می‌کند. از این حیث دارای وجوه مشترک زیادی با دیدگاه اجتماع‌گرایی است. طبق این دیدگاه روابطی که در شبکه‌های مدنی ایجاد می‌شود باعث تشکیل هویت شرکت‌کنندگان و به رسمیت شناختن آنها به

¹ Communitarian Approach

² Network Approach

³ Institutional Approach

⁴ Synergy Approach

عنوان عضوی از یک رابطه، افزایش جریان اطلاعات بین مردم، برجسته کردن عضویت فردی دیگران در یک رابطه و اعتبار اجتماعی توأم با آن و اعمال نفوذ بر دیگرانی که خارج از انجمن هستند شده و از این طریق منابع سرمایه اجتماعی را فراهم می‌سازد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۶). همچنین تصور می‌شود در سازمان‌های داوطلبانه باعث می‌شود شهروندان عادت‌های اجتماعی نظیر اعتماد، معامله به مثل، انسجام و همکاری را یاد بگیرند و در نهایت این یادگیری ایشان را وارد عرصه عمومی می‌سازد. در سطح جمعی نیز این شبکه‌های اجتماعی دیدگاه‌های افراد را نمایندگی کرده و به حاکمان می‌رساند و از این طریق مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

● **رویکرد نهادی:** دولت‌ها از طریق برجسته کردن نقش و کیفیت نهاد‌های نظارتی، عملکرد نخبگان سیاسی و ماهیت انتظاراتی که از شهروندان دارند بر امکان رشد سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در این رویکرد، وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه تابع ظرفیت دولت و نهادهای دولتی برای جلب اعتماد شهروندان و فراهم کردن فضای فعالیت آزادانه نهاد‌های جامعه مدنی و عملکرد مؤثر در راستای منافع عمومی جامعه است. اعتماد اجتماعی تعمیم یافته در جامعه محصول گزار شهابی است که افراد در ارتباطات مداوم خود با شبکه‌ها و نهاد‌های رسمی و بر اساس تجربیات خود به حافظه جمعی جامعه و گروه‌های اجتماعی منتقل می‌کنند (فاضلی و اشتیاقی، ۱۳۹۱، به نقل از پاک سرشت، ۱۳۹۳: ۸۱).

● **رویکرد هم‌افزایی:** در این رویکرد سرمایه اجتماعی ذخیره شبکه‌های رسمی و غیررسمی است که افراد برای تولید و تخصیص خدمات و کالاها مورد استفاده قرار می‌دهند. دیدگاه هم‌افزایی که تلفیق‌گر سایر دیدگاه‌ها درباره سرمایه اجتماعی است بر ائتلاف حرفه‌ای و پویا و روابط درون و میان بوروکراسی دولتی و بازیگران متعدد جامعه مدنی تأکید می‌کند. حکومت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی هر یک می‌توانند در تحقق توسعه پایدار اثرگذار باشند و هیچ‌یک به تنهایی صاحب تمامی منابع نیست. ویژگی مهم این دیدگاه توجه به امکان تعامل مطلوب بین سرمایه اجتماعی در سطح سازما نه‌ای رسمی و غیررسمی است. این رویکرد تلاش می‌کند تا توصیه‌های دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را برای بهبود سرمایه اجتماعی ترکیب کند. ظرفیت جامعه برای کنش جمعی و عملکرد دولت دو عنصر و مؤلفه کلیدی این رویکرد برای توضیح نقش احتمالی سرمایه اجتماعی در توسعه محسوب می‌شوند. راهبردهای متأثر از این دیدگاه به دلیل تأکید همزمان بر ویژگی‌های نهادی و عملکردی دولت و همچنین ویژگی شبکه‌های اجتماعی از حیث درون‌گرویی و یا برون‌گرویی بودن و در نهایت الگوی ارتباط و تعامل این دو از امتیازات مهمی به نسبت توصیه‌های سه دیدگاه پیشین در خصوص ارتقای سرمایه اجتماعی برخوردارند. این دیدگاه برای توضیح نقش سرمایه اجتماعی در بهبود عملکرد جوامع چندفرهنگی و چندقومی که همواره خطر مصادره گروهی منافع و امتیازات موجود در دسترسی به نهادهای دولتی وجود دارد، بسیار کارآمد است (رز، ۱۹۹۸، به نقل از پاک سرشت، ۱۳۹۳: ۸۴-۸۱).

تحقیق از نوع سیاست پژوهی است. این نوع از تحقیق درباره مسائل اجتماعی اساسی و مهم برای نیل به روندهای عملی واقع بینانه در حل و تقلیل مسائل است (ماژرزاک، ۱۳۹۲: ۱۷) که با تحلیل مساله اجتماعی، توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل مساله ارائه می‌دهد (ماژرزاک، ۱۳۹۲: ۱۵). یکی از روش‌های انجام سیاست پژوهی نیز "پیمایش"^۵ است (ماژرزاک، ۱۳۹۲: ۸۹) که در این تحقیق بکار گرفته شده است. براین اساس، نتایج بدست آمده از پیمایش "تحلیل سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد" (فروغ زاده، ۱۳۹۸) منبع اصلی اطلاعات در مقاله حاضر بوده است. علاوه بر آن با محققان اجتماعی و مدیران دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع (پیوند سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی) نیز مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت و از آنها به عنوان یکی دیگر از منابع اصلی داده استفاده شد. در تحقیق مذکور کلیه زنان خانه‌دار ساکن در محله شهید قربانی مشهد، جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای مرحله‌ای بود و حجم نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، ۳۰۰ نفر محاسبه شد. اطلاعات به کمک پرسشنامه و با مراجعه پرسشگران به درب منازل پاسخگویان و با انجام مصاحبه بدست آمد. برای توصیف متغیرهای زمینه‌ای و کم و کیف سرمایه اجتماعی زنان، از شاخص‌های مرکزی (میانگین، نما، میانه) و پراکندگی (انحراف معیار) و شاخص‌های وضعی، چولگی، کشیدگی، استفاده شد. با توجه به بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها^۶، سطح سنجش متغیرها و هدف از سنجش، از آزمون‌های آماری مرتبط (کراسکال والیس، فریدمن، تحلیل واریانس یک طرفه) استفاده شد و در نهایت برای تبیین شبکه روابط اجتماعی زنان که از آن به عنوان هسته اصلی برای تشکیل سرمایه اجتماعی یاد می‌شود، از رگرسیون خطی^۷ بهره گرفته شد. با بررسی منابع نظری معتبر، ابعاد و مولفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی استخراج گردید و در چهارچوب پرسشنامه (ابزار) تدوین شد. در این مرحله تعدادی از محققان و اساتید در رشته علوم اجتماعی ابزار ساخته شده را مورد نقد و داوری قرار دادند و در نهایت به کمک توافق موجود بین داوران و اعمال برخی اصلاحات، محرز شد که پرسشنامه کلیه متغیرهای موجود در پژوهش را پوشش می‌دهد. برای تامین پایایی ابزار هم از آلفای کرانباخ استفاده شد. تعریف عملیاتی متغیر سرمایه اجتماعی به شرح زیر است.

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی

انواع سرمایه	ابعاد	مولفه‌ها	مضامین پرسش‌ها
شناختی (ذهنی)	اعتماد	بین فردی	دردل کردن، پول یا وسیله قرض دادن، مشورت کردن، برآورد بودن، ضمانت وام کردن با اقوام، همسایه و دوست
		تعمیم یافته	سوء استفاده مردم از یکدیگر، اطمینان از باز پس گرفتن وسیله یا پول قرض داده شده، ترس از دردل کردن با دیگری، اعتقاد به بدگویی و غیبت کردن مردم، اعتقاد به وجود افراد حامی در جامعه
	نهادی	میزان واقعی و صادقانه بودن اخبار در تلویزیون، میزان برخورد عادلانه با سوء استفاده کنندگان از پول مملکت، میزان انجام به موقع کار در زمان مراجعه به ادارات، میزان اعتقاد به انجام کارها با پول و پارتی، میزان رفتار عادلانه با متخلفان، میزان اعتقاد به سودجویی بانک‌ها و موسسات قرض الحسنه	
		رسمی	شرکت در آخرین انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان

5 Survey

6 Kolmogorov-Smirnov test

7 Linear

شرکت در مجالس مولودی و عزاداری، روضه های زنانه، ازدواج و ترحیم، عضویت در صندوق های قرض الحسنه خانگی، برگزاری دوره های زنانه	غیررسمی	مشارکت	سرمایه اجتماعی
تعداد دوستان نزدیک و صمیمی، تعداد رفت و آمد در طول یکماه با دوستان و خانواده و همسایگان، تعداد افراد (دوست، اقوام و خانواده) در مواقع سختی (نیاز به پول، همفکری و..)	تعداد رابطه	شبکه روابط اجتماعی (کمیت و کیفیت)	
تعداد افراد به شیوه رابطه تلفنی در طول روز، مدت زمان صحبت تلفنی با افراد، تعداد افراد به شیوه رابطه حضوری در روز قبل	شیوه رابطه		
دعوت به ناهار یا شام در خانه، همراهی در خرید، نگهداری فرزندان یکدیگر در مواقع ضروری، کمک مالی به یکدیگر در مواقع ضروری، همراهی در تفریح و گردش	شدت رابطه		

یافته های پژوهش

توصیف وضع موجود

ویژگی های اجتماعی - جمعیتی: از مجموع زنان مورد بررسی در محله شهید قربانی، اکثریت متاهل (۹۲/۹ درصد) و مابقی مطلقه و بیوه بودند. نزدیک به نیمی از زنان مورد مطالعه (۴۹/۲ درصد) جوان بوده و زیر ۳۶ سال سن داشتند. گروهی که بین ۳۷ تا ۵۵ سال سن داشتند، ۴۱ درصد نمونه را تشکیل می‌دهند. حدود ۶۰/۶ درصد زنان پاسخگو به غیر از خانه‌داری هنردیگری نداشتند. در میان گروهی که خود را صاحب مهارت دیگری غیر از خانه‌داری می‌دانستند (۴۰ درصد)، به ترتیب خیاطی، کار دستی، آرایشگری و قالبیافی رواج دارد. همسران جامعه مورد مطالعه نیز عمدتاً صاحب مشاغل خدماتی بودند (۵۵/۸ درصد). تعداد اعضای خانواده نیمی از پاسخگویان (۵۴/۱ درصد) بین سه تا شش نفر بوده و ۴۳/۴ درصد نیز بین یک تا سه نفر عضو داشتند. حدود نیمی از زنان پاسخگو (۵۷/۴ درصد) عنوان کرده اند که کل مخارج ماهیانه خانواده اعم از خوراک و لباس و مدرسه بچه‌ها و... بین پانصد تا یک میلیون تومان است و حدود یک سوم جمعیت مورد مطالعه (۲۷ درصد) نیز عنوان کردند زیر پانصد هزار تومان در ماه خرج می‌کنند. در این مطالعه اکثریت پاسخگویان (۶۱/۵ درصد) از این موضوع اطلاع دادند که خانواده آنها زیر ده سال است که در محله مورد بررسی سکونت دارند

وضعیت اعتماد در بین زنان:

اعتماد بین فردی زنان در میان گروه‌های مختلفی که فرد با آنها در ارتباط است مورد سنجش قرار گرفت. این گروه‌ها عبارت بودند از خانواده خود (فرزندان و همسر)، اقوام نزدیک خود (پدر، مادر، خواهر و برادر)، اقوام نزدیک همسر (پدر، مادر، خواهر و برادر)، همسایه‌ها و دوستان. همانطور که مشاهده می‌شود بیشترین میانگین‌ها به ترتیب متعلق به خانواده خود (۲.۵۳) و اقوام نزدیک خود (۲.۲۹) است. این در حالی است که اعتماد بین فردی زنان با همسایه‌ها (۰.۷۱) و دوستان (۰.۷۳) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

جدول شماره ۱: وضعیت اعتماد بین فردی زنان در گروه‌های اجتماعی مرتبط

گروه‌های مرتبط	هیچ	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
خانواده خود	۹.۴	۱۴.۴	۲۱.۸	۲۲.۸	۳۱.۵	۲.۵۳
اقوام نزدیک خود	۱۴.۱	۱۷.۱	۲۰.۵	۲۲.۵	۲۵.۸	۲.۲۹

۱.۴۶	۷.۷	۲۰.۱	۱۶.۸	۲۱.۵	۳۳.۹	اقوام نزدیک همسر
.۷۱	۲	۵.۷	۱۱.۴	۲۳.۲	۵۷.۷	همسایه‌ها
.۷۳	۳	۶.۴	۱۰.۱	۲۲.۱	۵۸.۴	دوستان

همانگونه که ملاحظه می‌شود نتایج نشان می‌دهد بیشترین اعتماد زنان به ترتیب نسبت به خانواده خود، اقوام نزدیک خود و اقوام نزدیک همسر و کمترین اعتماد نسبت به همسایه‌ها و دوستان وجود دارد. اعتماد بین فردی زنان عمدتاً درون گروهی است چراکه در درجه اول خانواده خود و اقوام نزدیک خود و همسر را پوشش می‌دهد و وضعیت اعتماد بین فردی در محله که عمدتاً در ارتباط با همسایه‌ها و دوستان معنی پیدا می‌کند، بسیار ضعیف است. نتیجه احتمالی این وضعیت آن است که چون اعتماد بین فردی از نوع درون گروهی، بالا است. این مساله باعث طرد دیگران و مانع گسترش سرمایه اجتماعی خواهد شد و این موضوع با نظر فرناندز و هریس که در قالب رویکرد فقر شهری مطرح شده است نیز نزدیک است که ساکنان این اجتماعات در مقایسه با سایر محلات دارای شبکه‌های محدودتری هستند (فرناندز و هریس، ۱۹۹۲). به نقل از موسوی و حسن پور درودگر، (۱۳۹۴) و نظر استون و هیوز را تایید می‌کند که ساکنان این اجتماعات دارای شبکه‌های کوچکی از دوستان و فامیل هستند (استون و هیوز، ۲۰۰۲: ۳۶). به نظر تونکیس هرچه ارتباطات جامعه به خصوص ارتباطات بین گروهی بیشتر و منسجم‌تر باشد و در نتیجه آن اعتماد میان گروه‌های اجتماعی شکل بگیرد، جامعه به سمت عدالت خواهد رفت (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴). اما نتیجه بدست آمده از تحقیق مذکور نشان داد زنان اعتماد و ارتباطات بین گروهی زیادی نسبت به دوستان و همسایه‌ها ندارند و در حال حاضر این نوع از اعتماد بین فردی که صرفاً با خانواده خود و اقوام نزدیک وجود دارد، قطعاً برای ایجاد پیوند های اجتماعی میان ساکنان در محله کافی نیست.

وضعیت مشارکت در بین زنان:

مشارکت زنان در دو بعد رسمی و غیررسمی مورد سنجش قرار گرفت. بعد غیررسمی مشارکت به روابط خانوادگی، دوستان و همسایه‌ها محدود می‌شود و بعد رسمی به سنجش حضور زنان در انتخابات مهم در کشور (ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خبرگان) می‌پردازد. مقایسه این دو عرصه خصوصی و عمومی مشارکت بیانگر آن است که بیش از دو سوم زنان (۷۱.۱ درصد) به میزان زیاد و خیلی زیادی در جامعه مشارکت رسمی دارند. این در حالی است که اکثریت زنان (۵۸.۷ درصد) به میزان کم و خیلی کمی وارد مشارکت غیررسمی می‌شوند. نتایج آزمون فریدمن هم موید آن است که میانگین رتبه ای مشارکت رسمی (۱.۵۷) کمی بالاتر از مشارکت غیررسمی (۱.۴۳) است و معناداری بدست آمده (sig=0.024, chi-square = 5.121) بیانگر آن است که این تفاوت به جامعه آماری نیز قابل تعمیم است.

جدول شماره ۲: مقایسه مشارکت رسمی و غیررسمی در میان زنان (درصد معتبر)

ابعاد مشارکت	رسمی	غیررسمی
خیلی کم	۱۴.۸	۲۱.۱
کم	۱۴.۱	۳۷.۶
متوسط	۰	۳۳.۶
زیاد	۶.۱	۸.۱
خیلی زیاد	۶۵	۰.۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰
میانگین رتبه ای	1.57	1.43
Sig = .024 درجه آزادی = ۱ 5.121 مقدار کی دو =		

وضعیت روابط اجتماعی در بین زنان:

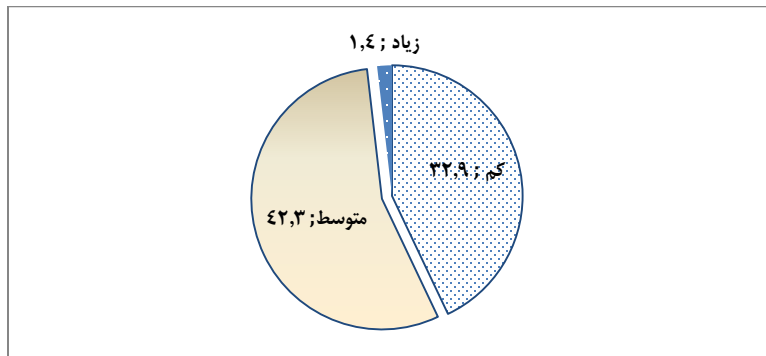
منظور از شبکه روابط، فراوانی رابطه (تعداد)، شیوه رابطه (حضور و تلفنی) و شدت رابطه (عمق) زنان با دیگران (اعم از دوست، همسایه و خانواده) است. جدول شماره «۳» مربوط به فراوانی روابط زنان با دوستان و همسایه و خانواده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود کمترین میزان این متغیر صفر و بیشترین مقدار آن ۲.۷۳ است. آماره میانگین نشان می‌دهد متوسط فراوانی روابط زنان ۱.۲۷ (متوسط رو به پایین) است. انحراف معیار نیز بیانگر آن است که متوسط پراکندگی فراوانی روابط زنان از میانگین ۰/۴۹ است.

جدول شماره ۳: توصیف شاخص‌های آماری "فراوانی روابط زنان"

تعداد	ماکزیمم	می‌نیمم	کشیدگی		چولگی		انحراف معیار	میانگین	سرمایه اجتماعی
			خطای استاندارد	آمار	خطای استاندارد	آمار			
۲۹۸	۲.۷۳	۰	۰.۲۸۱	-۰.۱۸	۰.۱۴۱	۰.۱۸	۰.۴۹	۱.۲۷	

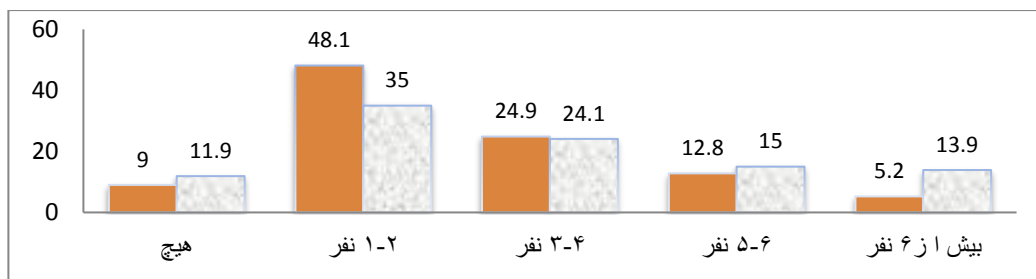
مطابق نمودار شماره «۱» نیمی از زنان در نمونه مورد بررسی (۵۵ درصد) دارای حد متوسطی از رابطه با دوستان و همسایه و خانواده هستند. تنها ۱.۴ درصد دارای روابط زیاد هستند.

نمودار شماره ۱: نمودار دایره ای "شاخص کیفی تعداد روابط زنان" (درصد معتبر)



از حیث شیوه رابطه نیز، نمودار شماره «۲» نشان می‌دهد به استثنای تعداد معدودی از زنان که هیچ گونه رابطه تلفنی و حضوری با دیگران ندارند، اکثریت در طول روز با تعداد کمی (یک تا دو نفر) به شیوه حضوری و تلفنی رابطه دارند که در این بین ارتباط به شیوه تلفنی بیش از حضوری (۴۸ درصد در مقابل ۳۵ درصد) است.

نمودار شماره ۲: نمودار میله ای "شیوه رابطه با دیگران در میان زنان" (درصد)



با عنایت به نتایج موجود، زنان ساکن در محله شهید قربانی دچار ضعف شبکه روابط اجتماعی هستند. این نتیجه از این حیث اهمیت دارد که سرمایه اجتماعی زاده روابط و کنش و واکنش های میان افراد است و در این شبکه ها است که منابع و فرصت در اختیار افراد جامعه قرار می گیرد. با این حال نتایج نشان داد که زنان مورد مطالعه در حال حاضر تا حد زیادی از این فرصت محروم هستند. در همین ارتباط نتایج تحلیل

رگرسیونی پژوهش هم این موضوع را روشن کرد که از میان متغیرهای مختلف، مهارت فرهنگی (دارا یا فاقد مهارت غیر از خانه‌داری)، به ترتیب دو متغیر اعتماد بین فردی و مشارکت غیر رسمی، موثرترین تبیین‌کننده‌های شبکه ارتباطات اجتماعی زنان هستند.

ارتباط بین سه مقوله روابط، اعتماد و مشارکت: این تحقیق نشان داد روابط میان همسایه‌ها محدود به امور ضروری و کم‌هزینه است. زمانی که طرفین نسبت به هم اعتماد نداشته باشند، مشارکت و تبادل هم نخواهند داشت. به نظر داسگوتا (۱۹۸۸) "اعتماد تسهیل‌کننده مشارکت است و به تعبیر باربالت (۱۹۹۶) اعتماد پایه احساسی برای مشارکت است (داسگوتا، ۱۹۸۸؛ باربالت، ۱۹۹۶؛ به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴: ۷۱) از سوی دیگر اگر بی‌اعتمادی ایجاد شود، مشارکت بین عاملان آزاد از بین خواهد رفت (گامبتا، ۱۹۸۸ به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴: ۷۱). از منظر جامعه‌شناسی می‌توان اعتماد را یک عمل اجتماعی توصیف کرد که وقتی در خطر باشد و از بین برود، پایه‌های جامعه سست شده و فرو خواهد ریخت (بک، ۱۹۷۹، به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۱۷). پارسونز هم اعتماد را عامل ایجاد اتحاد و انسجام اجتماعی و ثبات و نظم می‌داند. به عقیده وی اعتماد، این باور را در افراد ایجاد می‌کند که دیگران به منظور دستیابی به یک موقعیت گروهی از منافع شخصی دست می‌کشند. اعتماد در واقع موجب می‌شود که دیگران به تعهدات و مسئولیت‌های‌شان عمل کنند و موقعیت دیگران را درک نمایند. وی نظام منسجم را نظامی می‌داند که بتوان به عاملان آن در انجام وظایف شان اعتماد کرد که این امر خود به پایداری و نظم سیستم اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای یک جامعه است. اما با انجام چه کارهایی، اعتماد ایجاد می‌شود؟ در پاسخ به این سوال لوهمان آشنا بودن فرد مورد اعتماد را عامل حیاتی می‌داند (لوهمان، ۱۹۷۹، به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴: ۹۳) و هاردین بر اهمیت نزدیکی و روابط خودمانی در اثبات اعتماد تاکید می‌کند (هاردین، ۱۹۹۳، به نقل از زتومکا، ۱۳۸۴: ۹۳).

با این توصیف، آشنایی زمینه ایجاد ارتباط و اعتماد است. با دستیابی به آشنایی و قابلیت رویت بودن، شبکه مترابلی از گروه‌ها، اجتماعات، انجمن‌های اختیاری و دایره دوستی‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای تماس‌های شخصی، ضروری به نظر می‌رسد چراکه ناشناختگی و فاصله سبب بی‌اعتمادی گردیده و سدی در راه دستیابی به اطلاعات مربوط ایجاد می‌کند و مانع از قدرت تشخیص قابلیت اعتماد می‌گردد.

تحلیل نتایج و ارائه پیشنهاد

این مطالعه با رویکرد سیاست‌پژوهی و براساس نتایج بدست آمده از «تحلیل سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد» (فروغ زاده، ۱۳۹۸)، به عنوان منبع اصلی اطلاعات، درصدد پاسخ به این سؤال بود که چگونه می‌توان اعتماد بین فردی زنان را تقویت کرد و بستر مناسبی برای شکل‌گیری مشارکت غیررسمی آنها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی ایجاد کرد؟ با توجه به توصیف و تحلیل وضع موجود و با در نظر داشتن چهار رویکرد سرمایه اجتماعی، ملاحظات و توصیه‌های سیاستی زیر برای افزایش سرمایه

اجتماعی ارایه می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از تحقیق مذکور، دو پیشنهاد اول که در زیر آمده است به طور خاص برای منطقه مورد بررسی یعنی محله شهید قربانی ارائه شد. سایر پیشنهادها اگرچه برای این منطقه نیز قابل استفاده است، اما در مقایسه با دو پیشنهاد مذکور، کلان و عام بوده و از حیث اجرا نیاز به زمان بیشتری هم نیاز دارد.

➤ شبکه سازی و گسترش شبکه روابط اجتماعی در حوزه های مختلف زندگی: این اقدام روشی برای گرد هم آمدن زنان خانه دار

است. براین اساس کیفیت و ساختار شبکه اهمیت دارد. کیفیت شبکه در برگیرنده هنجارها (نظیر اعتماد، احساس اثربخشی، معامله به مثل، پذیرش تنوع، همکاری) و اهداف مشترک است. هدف مشترک می‌تواند یک مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی، دوستی، مشارکت اقتصادی، حمایت از اجتماع و... باشد. ساختار شبکه هم شامل اندازه، فراوانی، تراکم و روابط قدرت است. بی تردید این شبکه ها صرفاً پیوند دهنده نیستند بلکه متصل کننده باید باشند تا بتوانند زنان خانه دار را علیرغم تنوع قومی و خرده فرهنگ های متفاوت، به هم مرتبط کنند. لازمه شکل گیری این شبکه، وجود مکانی با اهداف مشترک و مبتنی بر نیاز جامعه مورد مطالعه (زنان خانه دار) است. از آنجا که مشکل اصلی در بین ساکنان این سکونت گاه ها، مشکل اقتصادی و تامین معاش است، از جمله شبکه هایی که می‌تواند برای زنان خانه دار جذابیت داشته باشد، شبکه هایی با اهداف اقتصادی و کسب منافع در بازه زمانی کوتاه و بدست آوردن منافع آنی است. زمینه شکل گیری این شبکه ها، طراحی و سازماندهی پروژه های تولید و کسب و کار و داشتن منافع اقتصادی مشترک و کارآفرینی است که می‌تواند شامل مهارت و حرفه آموزی، بازارچه خود اشتغالی، تمرکز بر مشاغل خانگی و... باشد. اجرای این شبکه ها منوط به نقش تسهیلگر دولت و همکاری کارآفرینان و سرمایه گذاری آنها خواهد بود. ضمن آنکه قوانین این مجموعه باید طوری تدوین شود که مسیرهای سوء استفاده را مسدود کند. زمانی که شبکه ها شکل می‌گیرند، در واقع گروه بوجود می‌آید و به طور حتم رابطه و کنش و وابستگی متقابل بین اعضاء اتفاق می‌افتد. در فرایند تداوم رابطه و مشارکت با یکدیگر است که اعتماد پدید می‌آید.

➤ افزایش آگاهی، حقوق و مهارت شهروندان: در این زمینه می‌توان به اطلاعات، مهارت زندگی و حقوق شهروندی، همچنین مدیریت

روابط بین فردی در قالب برگزاری کلاس و کارگاه و... پرداخت. بخش عمده ای از مشکلات در شکل گیری ارتباط با دوستان و همسایگان و بی اعتمادی نسبت به آنها، ناشی از روابط بین فردی از نوع بی قاعده و دچار اختلال است. وجود رابطه و تقویت شبکه روابط فی نفسه خوب است اما زمانی که دچار ضعف شده و یا بیش از اندازه شدید باشد، دچار اختلال می‌شود که آسیب زاست. بنابراین ارتقاء آگاهی و مهارت افراد (زنان خانه دار) در کنترل روابط اهمیت دارد.

➤ **ارتباط میان سه سطح خرد، میانه و کلان:** طبق رویکرد هم‌افزایی در سرمایه اجتماعی علاوه بر توجه به سطح نهادها و سیاست‌گذاری دولتی و حاکمیت، به گروه‌های مدنی و تعامل شبکه‌های رسمی و غیررسمی و ذی‌نفعان هم‌توجه می‌شود. ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی منوط به مهیا بودن شرایط محیطی است و از این رو استراتژی‌ها در چنین هدف‌گذارهایی باید به گونه مشارکتی و با توجه به نقش همه سازمان‌های مؤثر در سطوح مختلف میانه، کلان و خرد طراحی شوند. مسائل اجتماعی، نظیر آنچه این تحقیق به دنبال آن است یعنی راهکارهای افزایش اعتماد و مشارکت غیررسمی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، نیاز به رویکرد همه‌جانبه و ارتباط میان سه سطح میانه (تشکل‌های مردم‌نهاد) و خرد (ساکنان منطقه) و کلان (حاکمیت و سیاست‌گذاری دولتی) دارد. از سوی دیگر تعامل بین سازمان‌های مرتبط و عمدتاً اجرایی و صادرکننده مجوز برای مشارکت و هماهنگی فعالیت‌های تشکل‌های مدنی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی نظیر ادارات بهداشتی، ورزش و جوانان، شهرداری و فرمانداری و... برای اطلاع از فعالیت‌ها و دوری از موازی‌کاری ضروری است. مسائل اجتماعی پیچیده‌تر از آن است که صرفاً با تاکید بر اقدامات و یا حتی درگیر کردن یک سطح که عموماً سطح میانه است، نظیر آموزش‌ها و یا حمایت‌های ارائه شده توسط تشکل‌های مردم‌نهاد، حل شود. از سوی دیگر بی‌توجهی و نوپا بودن سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران باعث می‌شود که راه‌حل‌های فعلی خود آسیب‌زا باشند. چه بسا بسیاری از آسیب‌هایی که امروز این اجتماع با آن مواجهه شده است، پیامد سیاست‌ها و راه‌حل‌های گذشته باشد.

➤ **شناخت جامعه هدف:** با عنایت به ضرورت ارتباط میان سه سطح خرد و میانه و کلان، برای تغییر وضعیت سرمایه اجتماعی و جهت‌گذاری در سیاست‌گذاری اجتماعی، بهتر است با بینشی عالمانه که متکی بر شناخت از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه مورد مطالعه است، ویژگی‌های جامعه هدف و محله مورد نظر شناسایی شود. به این منظور لازم است به طور منظم و سالانه اطلاعات مذکور از طریق یک نهاد بالادستی (استانداری، شهرداری و...) در اختیار فعالان و انجمن‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد اعم از سمن‌ها، خیریه‌ها و... قرار گیرد. جمعیت هدف می‌تواند زنان خانه‌دار که موضوع نوشتار حاضر است و یا کودکان و دانش‌آموزان، زنان سرپرست خانوار، دختران مجرد، پسران جوان و... باشد. با این رویه اقدامات اجرایی برای گروه‌های مختلف با اتکا به پژوهش علمی انجام شده و همسو با مسائل و مشکلات و نیازهای گروه هدف خواهد بود. اگرچه منظور از این اقدام، یک رویکرد تجویزی محض نیست، بلکه می‌تواند با حفظ آزادی عمل در تشکل‌های مدنی صوت‌گیر و دولت‌تنها با ارائه اطلاعات کامل از جامعه هدف، به طرز بهینه مسائل گروه‌های مختلف در سکونت‌گاه غیررسمی را با مشارکت خود مردم و گروه‌های مدنی فعال شناسایی کرده و به تناسب، ساماندهی می‌کند. در این حالت سیاست‌گذاری اجتماعی به صورت یک مداخله برنامه‌ریزی شده و عامدانه انجام خواهد شد که ویژگی ذاتی سیاست‌گذاری‌ها است. ضمن آنکه به انسجام و تقسیم‌فعالیت‌ها نیز کمک می‌کند. در این

زمینه می‌توان به اطلاعات و نتایج بدست آمده از دو پیمایش ملی سرمایه اجتماعی در دوسال اخیر اشاره کرد که می‌تواند مبنای علمی مناسبی برای سیاست‌گذاری اجتماعی باشد.

➤ **آشنایی با تجارب کشورهای دیگر:** اگرچه ماهیت سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران با کشورهای دیگر تا حد زیادی متمایز است، با این حال تجارب اجرا شده موفق و ناموفق مربوط به سنجش سرمایه اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های سرمایه اجتماعی در کشورهای دیگر، برای کشور ایران که در ابتدای راه سیاست‌گذاری در حوزه مسائل و آسیب‌های اجتماعی است، نه تنها باعث آشنایی در روند سیاست‌گذاری می‌شود بلکه به پردازش قابلیت‌های بستر اجتماعی هم کمک می‌کند. با بررسی رویکردهای متنوع به تعریف، سنجش، مفهومی‌سازی و سیاست‌گذاری سرمایه اجتماعی در کشورهای دیگر می‌توان دقیق‌تر و کامل‌تر و با پشتوانه نظری قوی‌تر به تحلیل و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه سرمایه اجتماعی مخصوصاً در سکونت‌گاه‌های غیررسمی پرداخت.

➤ **پایش اقدامات برای تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی:** دستیابی به میزان خاصی از سرمایه اجتماعی برای بهبود کیفیت زندگی گروه‌های مختلف (از جمله زنان خانه‌دار) هرگز نمی‌تواند به عنوان هدف سیاست‌گذاری انتخاب شود. سیاست‌های ارتقای سرمایه اجتماعی با توجه به ماهیت این پدیده، باید معطوف به فراهم کردن شرایط و لوازمی باشند که شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را تسهیل می‌کنند. بهبود و تقویت سرمایه اجتماعی امری زمان‌بر و بلندمدت است و ارتقای آن در کوتاه مدت ناممکن و یا دست‌کم دشوار است. سیاست‌های مداخله در سرمایه اجتماعی باید براساس این ویژگی، پایدار باشند. به این معنی که لوازم و شرایط اجرای آنها در بازه زمانی وسیعی مدنظر قرار گیرد. بدین منظور علاوه بر اینکه لازم است توصیف و تبیین دقیقی از میزان سرمایه اجتماعی در اختیار باشد، پایش و تداوم نظارت بر اقدامات انجام شده در زمینه تقویت سرمایه اجتماعی نیز مهم است. بنابراین سیاست‌ها و اقدامات اجرا شده پس از اجرا باید از حیث عملکرد و فرآیند ارزیابی شده و اثربخشی آنها بررسی شود. نتیجه این ارزیابی، شناسایی نقاط قوت و ضعف و ترمیم و اصلاح آن در اجرای بعدی است. ضمن آنکه، بررسی دیدگاه ذی‌نفعان و تحلیل راهبردی (شناسایی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید) از اقدامات و برنامه‌های انجام شده توسط دستگاه‌ها اجرایی در محله‌های مختلف سکونت‌گاه‌های غیررسمی، در حوزه زنان و سرمایه اجتماعی به ارائه برنامه واقع‌بینانه‌تر و کارآمدتر کمک می‌کند.

نکته قابل‌تأمل آن است که کلیه فعالیت‌های انجام شده و یا در حال انجام توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی با اهداف متفاوت و جامعه هدف مختلف انجام می‌شود. این سیاست‌گذاران بنا به دانش و تشخیص خود اقدام به سیاست‌گذاری می‌کنند و همانگونه که از عناوین و مجریان این فعالیت‌ها پیداست، این اقدامات نه تنها نظام‌مند نیست، بلکه پراکنده، سلیقه‌ای و مقطعی هم هست. متأسفانه آنچه امروزه در اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها در سکونت‌گاه‌های غیررسمی مشاهده می‌شود عمدتاً براساس تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی یک

سویه توسط مجریان و یا صرفاً با استناد به اسناد بالادستی و عملیاتی کردن آن در قالب اقدامات پراکنده و مختلف، است که به نظر می‌رسد این نوع سیاست برای مقابله با آسیب‌ها و مسائل این مناطق، ناکارآمد بوده و صرفاً به مثابه یک مرهم و درمان موقت عمل کرده است که بی‌تردید این روند نتیجه رهاشدگی سیاست اجتماعی و سکوت سیاست‌گذاری است.

لذا ذکر این نکته ضروری است که اگرچه اجرای این گونه فعالیت‌ها مانند آنچه در این مقاله ذکر شد می‌تواند پیوند بین ساکنان و از جمله زنان را به صورت مقطعی برقرار کند و زمینه ارتباط آنها با یکدیگر را فراهم آورد، اما باید توجه داشت که برای اقدامات مشابه نیز باید اطلاعات تجربی دقیق و علمی از جامعه هدف بدست آید و بر اساس آن پیشنهادهای سیاستی ارائه شود.

فهرست منابع

- اورعی، غلامرضا (۱۳۹۵)، توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر چابهار، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، طرح پژوهشی باستانی، سوسن و افسانه کمالی و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی شبکه و روابط متقابل بین شخصی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۱
- پانام، روبرت (۱۳۹۲)، دموکراسی و سنت‌های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت‌های مدنی در ایتالیای مدرن)، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
- پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر و شیانی، ملیحه (۱۳۸۵)، کارپایه مفهومی و مفهومی‌سازی سرمایه اجتماعی با تأکید بر شرایط ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳، ص ۴۴-۹
- پاک سرشت، سلیمان (۱۳۹۳)، ملاحظاتی و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی، راهبرد فرهنگ، سال ۷، شماره ۲۵، بهار، ص ۱۰۴-۷۱
- تاجبخش، غلامرضا (۱۳۹۲)، بررسی میزان سرمایه اجتماعی بین حاشیه‌نشینان شهرایلام، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۳، شماره ۹، ص ۱۲۴-۹۷
- تاجبخش، کیان و مراد قفقی و مسعود کوهستانی نژاد (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۱۹۹-۱۵۵
- تونکیس، فران؛ فنتون، ناتالو؛ همس، لزی (۱۳۸۷)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی چلی، مسعود (۱۳۹۳)، تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی
- چلی، مسعود و محمد مبارکی (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲
- خاکپور، براتعلی (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین و بازارکار شهری مطالعه موردی: جامعه زنان محلات اسکان غیررسمی تبریز، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ۲، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۸۰-۶۹
- رهبی، عباسعلی و فاطمه حیدری (۱۳۹۰)، تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقاء سیاست‌گذاری، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۴، ص ۲۵۳-۲۱۹
- زئومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلایی، تبریز، انتشارات ستوده
- سوری، فاطمه و ژیلا سجادی (۱۳۹۱)، تحلیل مشارکت‌پذیری زنان: ضرورتی در بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی آبک، منطقه‌ی یک شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۴، شماره ۴، زمستان، ص ۲۰۲-۱۸۱
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷)، روند جهانی در سنجش سرمایه اجتماعی: تأثیرپذیری از حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، شماره ۶۸-۶۹، تابستان و پاییز، ص ۲۹-۵
- صالحی ابراهیم و مهرعلیزاده بدالله (۱۳۸۴)، "تغییرات بازار کار، توسعه، آموزش عالی و سرمایه اجتماعی"، مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار، ص ۲۶
- علی پور، پروین و محمد جواد زاهدی و ملیحه شیانی (۱۳۸۸)، اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۰۹-۱۳۵
- غفوری، محمد و روح‌الله جعفری (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، جامعه‌مدنی و دموکراسی، رابطه متقابل یا یک سویه، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۲
- فروغ زاده، سیمین (۱۳۹۸)، تحلیل سرمایه اجتماعی زنان ساکن در سکونت‌گاه غیررسمی (مطالعه موردی: محله شهید قربانی مشهد)، مطالعات زن و خانواده پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء، دوره ۷، شماره ۱، ص ۲۰۳-۱۷۹
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، انتشارات کویر
- ماژرزاک، آن (۱۳۹۲)، پژوهش و سیاست‌گذاری، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشرنی
- موسوی، مرصیه و زینب حسن پور درودگر (۱۳۹۱)، بررسی تحلیلی تطبیقی سرمایه اجتماعی زنان در سطح محلات شهر تهران، مسائل اجتماعی ایران، سال ۳، شماره ۲، ص ۲۲۸-۲۰۳
- معصومی راد، رضا (۱۳۹۰)، تبیین اهمیت سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار در ایران، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، دوره ۲، شماره ۴، ص ۵۶-۲۷
- نقدی، اسداله و صادق زارع (۱۳۹۱)، فرسایش سرمایه اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه زنان حاشیه‌نشین شهرک سعدی شیراز، دومین کنفرانس ملی مدیریت بحران

ولکاک، مایکل و دیپا نارایان (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست، در سرمایه اجتماعی، اعتماد و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه

-Stolle, D. & M. Hooghe. (2003). Conflicting Approaches to the Study of Social Capital. Competing Explanations for Causes and Effects of Social Capital. *Ethical Perspectives*. 10. (1). 22–45.

- Krishna, A. (2007). How Does Social Capital Grow? A Seven-year Study of Villages in India. *Journal of Politics*. 69. (4). 941–956.

-Stone, Wandy & Jody Hughes (2002), "Social capital: Empirical meaning and measurement validity", Australian Institute of Family Studies, www.aifs.gov.au/institiutepubs/Rp27.pdf

-Bullen, p & onyx, J, (1999), Social capital: Family support services and neighbourhood and community centers in new south wales: 21, 97 .

-Dale, A. and Newman L. (2010), (Social Capital: A Necessary and Sufficient Condition for Sustainable Community Development? *Community Development journal*, 45 (1): pp. 5-21.

-Lowndes, V. & L. Pratchett. (2008). Public Policy and Social Capital. In: D. Castiglione et al. *Handbook of Social Capital*. Oxford: Oxford University Press. pp. 677-707.